

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)

تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۹/۸۲۱۵ رده بندی کنگره: ب ۲۲/۳۲۰

بررسی نحوه گفتار در جامعه آرمانی از دیدگاه قرآن

کریم و نهج البلاغه

احمد بانی ایبانه

کارشناسی ارشد، مدیریت امور فرهنگی

چکیده

در خصوص عوامل یا مولفه های موثر در ایجاد جامعه آرمانی می توان به موارد مختلف اشاره کرد که از جمله مهمترین آنها عبارتند: الگو های تربیتی، تقویت هویت فرهنگی، عدم تبعیض، احساس امنیت اجتماعی و روانی، معنویت، موفقیت های اجتماعی و ... ، رضایت شغلی یا عدم امنیت شغلی، برنامه های ورزشی، کیفیت ارتباط اجتماعی مردم، مشارکت اجتماعی، شایسته سالاری و ... که تمامی این فضیلت های اخلاقی را در سه بخش تقسیم نموده ایم که شامل: مولفه های فرهنگی فردی، مولفه های فرهنگی جمعی، مولفه های فرهنگی شغلی می باشند در این مقاله به بررسی مولفه های فرهنگی فردی پرداخته و برای این مولفه زیرشاخه هایی تعیین شد و به تبیین آن از دیدگاه قرآن کریم و سخنان گهربار حضرت علی ع در نهج البلاغه پرداخته ایم. گستردگی مباحث مطرح شده و مستند سازی دقیق در این پژوهش توانسته تاحدی این پژوهش را به اغنای کامل از لحاظ علمی برساند. این پژوهش از نوع کتابخانه ای و با روش توصیفی-تحلیلی به اجرا درآمده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، نهج البلاغه، جامعه آرمانی، مولفه های فرهنگی فردی، مولفه های فرهنگی جمعی، مولفه های فرهنگی شغلی .

بخش اول: مقدمه

امروزه باور اساسی بر آن است که در مورد یک ملت تنها با رشد اقتصادی نمی توان قضاوت کرد بلکه احساس خشنودی، امنیت، رضایت اجتماعی، نشاط نیز بسیار مهم است. در یک جامعه مطلوب برابری آموزش و بهداشت و احترام به حقوق دیگر انسان ها و برخورداری از نیازهای اساسی از ملزومات یک جامعه و شاخص های توسعه آن به شمار می رود. یکی از چالش های فراوری انسان در دنیای امروز، احساس بهزیستی و شادمانی است چراکه با وجود پیشرفت های چشمگیر در تأمین فناوری و آسایش انسان، احساس شادمانی وی افزایش نیافته است. شادمانی و رضایت مردم از زندگی به عنوان یکی از شاخص های توسعه مطرح است. بین شادی و زندگی رابطه مستقیمی وجود دارد. یعنی کسی که در ظاهر و باطن شاد است امیدواری، پویایی و تفکر منطقی بروجودش حکمفرماست. شادی، تصمیم گیری را برای او آسان می سازد و تلاش و قدرت بهره مندی از فکر و عقل را برای او راحت تر می نماید. چنین انسانی زمین را برای خود تنگ نمی بیند و در کوچه باغ زندگی او از بن بست خبری نیست. در نتیجه از زندگی کردن لذت می برد و وجودش برای خود و دیگران ارزشمند می شود. نشاط اجتماعی یکی از اصلی ترین نیازهای جوامع امروزی است، چراکه شهروندان کلان شهرها کمتر فرصت این را پیدا می کنند که به خودشان و نیازهایشان فکر کنند و به شدت مستعد افسردگی می شوند. جامعه با نشاط و فرهیمنده جامعه ای است که استعداد های افراد آن شکوفا شده و رفاه و امنیت را برای آحاد آن جامعه به ارمغان می آورد؛ در مقابل جامعه افسرده، خموده، و غمگین هر روز بر مشکلاتش افزوده شده و با شتاب رو به انحطاط می گراید. گسترش شهرها و صنعتی شدن جوامع تأثیرات فراوانی در نشاط یک جامعه دارد و چنانچه مسایل حاشیه ای از جمله درگیری ها و ناامنی های اجتماعی هم به این موارد اضافه شود در نهایت آن چه را که باید در هیاهوی شهری جست و جو نمود نشاط و شادی عمومی است. امروزه براساس مباحث روان شناسی اجتماعی، جامعه ای دارای نشاط اجتماعی است که افراد آن جامعه از زندگی خود لذت برده و زندگی برای آن ها معنا داشته، هدفمند باشد و از بیم و هراس به دور باشد و این امر مستلزم داشتن یک روحیه با نشاط و شاداب در بین افراد جامعه است. جامعه شناسان و صاحب نظران معتقدند که جامعه ای به آرمان های مطلوب نمی رسد مگر در سه بعد به آرمان مطلوب برسد ۱- آرمان های فردی، آرمان های جمعی و آرمان های شغلی و کاری که در مجموع این سه گزینه یک جامعه مطلوب و ایده آل را ایجاد می نمایند. هدف اصلی از این پژوهش بررسی و مطالعه ویژگی های فرهنگی فردی در جامعه آرمانی از دیدگاه قرآن کریم و نهج البلاغه بوده و تعیین مولفه های فرهنگی فردی نیز از اهداف فرعی این پژوهش می باشد.

بخش دوم: تعاریف نظری

بنداول: تعریف جامعه آرمانی

هر مذهبی، جامعه آرمانی خود را ترسیم می کند و با تمام وجود برای رسیدن به آن می کوشد. بنابراین، جامعه آرمانی هم هدف را تعیین می کند و هم مسیر رسیدن به هدف. اگر جامعه آرمانی این مذهب، به درستی ترسیم نشود، نه هدف و نه مسیر و نه حتی شناخت جامعه مبدأ هیچ یک آشکار نخواهد شد.. برای فهم جامعه آرمانی یک مذهب، باید چارچوب نظریه ای تعریف شود تا تمامی جزئیاتی که در آن مذهب، برای آن جامعه آرمانی ترسیم شده، در خود جمع کند. (قادرزاده، ۱۳۸۴: ۵۲) به این ترتیب، چارچوب معرفتی - ساختاری آن جامعه روشن می شود، پس می توان مسیر رسیدن به آن جامعه را نیز ترسیم کرد. بر این اساس اگر جامعه آرمانی، رادیکال یا اصلاحی ترسیم شود، مسیر رسیدن به آن جامعه، رادیکالی یا اصلاحی ترسیم خواهد شد. سکون در وجود راه ندارد، چون سکون مقوله ای عدمی است، پس عالم وجود، به تمام معنا، دارای پویایی مخصوص به مراتب وجودی است (کل یوم هو فی شأن) و این پویایی (نه حرکت) و فعالیت، به زمان خاص خود نیاز دارد (در آیه مذکور از یک سوی «کل یوم» و از سوی دیگر «هو» یا ضمیر اشاره به ذات آمده است). از سوی دیگر این پویایی وجودی - زمانی به سوی خداست: «الی الله المصیر»؛ «انا لله و انا الیه راجعون». این پویایی ها در روزها است، زیرا در برخی روزها جهش های وجودی - زمانی رخ می دهد و آن روزها ایام الله نام دارد؛ مانند قیامت یا روزی که بسط وجودی آن بسیار زیاد است. (صالحی، ۱۳۹۵: ۲۲)

بند دوم: تعریف گفتار

در مولفه های فرهنگی فردی در جامعه آماری می توان از فضایل اخلاقی بسیاری نام برد که مهمترین و شاخص ترین آن «نحوه گفتار» است. نیکو سخن گفتن و رعایت عفت کلام: در آیات مختلف قرآن کریم، خداوند متعال با پیامبران، ملائکه، مؤمنان، عموم مردم و حتی با کفار و مشرکان، ادب در کلام را کاملاً رعایت می کند. به مؤمنان نیز دستور می دهد با دیگران زیبا سخن گفته و از به زبان آوردن گفتار زشت و بی ادبانه (حتی در مقابل کافران و ابلهان) دوری گزینند: «با مردم (به زبان) خوش سخن بگویید»^۱ و نیز می فرماید: «و به بندگانم بگو: آنچه را که بهتر است بگویند، که شیطان میانشان را به هم می زند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است.»^۲ گفتار مؤمنان با یکدیگر، استواری

۱ - سوره بقره، آیه ۸۳

۲ - سوره اسراء، آیه ۵۳

کلام با پایه و اساس سخن گفتن را خداوند متعال به مؤمنان دستور می دهد و به آنان تأکید می کند، این گونه با یک دیگر سخن بگوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا دارید و سخنی استوار گویند» همچنین بر مؤمنان لازم است علاوه بر استوار سخن گفتن؛ به گونه ای تکلم کنند که کفار، مشرکان و منافقان آنان را به استهزا نگیرند، و به عبارت دیگر: مؤمنان باید با یکدیگر به گونه ای سخن بگویند که سوژه به دشمن ندهند. آیه ۱۰۴ بقره بیان کننده همین مطلب است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، نگویید: «راعنا» و بگویید: «انظرنا» و [این توصیه را] بشنوید، و کافران را عذابی دردناک است».

بند سوم: تعریف جامعه از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

جوامع و تمدن های بشری دارای مسایل و موضوعات بی شمار، ابعاد متنوع و جنبه ها و جلوه های گوناگونی هستند، و این ویژگی از تنوع و چندگانگی ابعاد بسیار پیچیده وجود انسان و دنیای پر اسرار و تماشایی و زندگی تفکرانگیز او سرچشمه می گیرد. این مسایل، از موضوعات بلند و سرنوشت ساز فراطبیعی و حقایق معنوی آغاز می شود و تا واقعیت های محسوس و ملموسی چون: اقتصاد، سیاست، مدیریت، تربیت، هنر، فرهنگ، امنیت، آزادی، عدالت، دفاع، برابری، حق زندگی، ساعات فراغت، ورزش، تفریح و بهداشت و... و مسایلی که علوم و فلسفه های رنگارنگ و روش های دیروز و امروز بشری، پس از قرن ها تلاش و تفکر و ژرف نگری و ژرف اندیشی هنوز نتوانسته اند برای انبوهی از آن ها پاسخ صحیح و راه حل انسانی و اسلامی بیابند، گسترش پیدا می کند. جامعه و تمدن و دنیای دل انگیز و مورد نظر قرآن نیز، انسانی است و بسان دیگر جامعه ها و تمدن ها دارای همین مسایل بی شمار و ابعاد متنوع و جنبه های گوناگونی است و هر بُعد و جلوه ای از این مجموعه - که نام آن را جامعه می نامند - افزون بر جنبه های مشترک دیگر جامعه ها و تمدن های انسانی، شرایط و ویژگی های خود را دارد.

بخش سوم: مولفه فرهنگی نحوه گفتار و تاثیر آن بر جامعه آرمانی

از جمله مواردی که در مولفه های فرهنگی فردی قابل بحث و بررسی می باشد مولفه هایی شامل:

۱- نحوه گفتار

۲- پرهیز از رذایل اخلاقی (دروغ، تکبر، تملق، تجسس، سوءظن، پرخاشگری، خشونت)

۳- نحوه پوشش

۴- کسب علم

.....و

که در این مقاله به مورد اول یعنی نحوه گفتار خواهیم پرداخت.

بند اول: نحوه گفتار

قرآن کلام الهی و بزرگترین معجزه ی خاتم پیامبران(ص) و شایسته ترین راهنمای انسان ها تا پایان تاریخ می باشد. کتابی که هدف نزول خود را هدایت بشر و راهنمایی او برای خروج از تاریکی ها به سوی نور بیان کرده است. و از آن جایی که خود را بهترین سخنان دانسته، برماست برای دانستن فرهنگ گفتار، دست به دامن قرآن زده و در فهم آن سخن اهل ذکر یعنی ائمه ی معصومین(ع) را معیار حقانیت و صحت آن بدانیم؛ زیرا که خود قرآن می فرماید: «اگر نمی دانید از اهل ذکر بپرسید».^۱

بند دوم؛ مفهوم شناسی

فرهنگ: برای «فرهنگ» تعریف های چندی بیان شده است: تنها یکی از جامع ترین آن ها را در این جا ذکر می کنیم: «فرهنگ عبارت است از: مجموعه ی دریافت ها، دانسته ها و یافته های رشد یافته ی عقلی و احساسی و اخلاقی که به زندگی انسان کمال و ارزش می بخشد و مایه ی بازشناسی زندگی انسانی از زندگی حیوانی است».^۲

گفتار: گفتار، به گفتن، گفت، سخن، گفته می گویند،^۳ و بعضی دیگر، حدیث، مقاله، مقال، کلام را بر آن افزوده اند.^۴

اهمیت سخن: زبان از نعمت های بزرگ آفریدگار هستی به انسان است. خداوند متعال در سوره ی بلد پس از ذکر سوگندهایی پر معنا، و اشاره به زندگی پررنج انسان، شماری از مهم ترین نعمت هایی را که به بشر ارزانی داشته است یادآور می شود، که یکی از آن ها نعمت زبان است: «آیا برای او دو چشم قرار

۱- سوره نحل، آیه ۴۳

۲- مجله ی حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی، شماره ۱۰۵ - ۱۰۶، ص ۹۴

۳- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۶۲۹۷

۴- فرهنگ معین، دکتر محمد معین، ج ۳، ص ۳۳۳۲

ندادیم و یک زبان و دو لب؟^۱ زبان از اعضای شگفت انگیز بدن انسان است و وظایف بزرگی را عهده دار می باشد که از مهم ترین آن ها سخن گفتن است. ایزد متعال در قرآن کریم پس از ذکر خلقت انسان، از نعمت بیان، سخن گفته و فرموده است: «خدای رحمان، قرآن را یاد داد، انسان را آفرید، و به او «بیان» را آموخت».^۲

نگاهی به آفت های کلام: باید به یاد داشت که توان تکلم، با آن که از نعمت های گران سنگ پروردگار و از خصایص بشر است و با آن که فوایدی بسیار را در راه رشد و تکامل انسان در بر دارد می تواند منشأ بسیاری از ضررهای مادی و معنوی شود و گاه انسان را به پرتگاه سقوط بکشانند. از این رو، بر هر فردی است که مراقب زبان خویش باشد، زیرا بیشترین گناه از زبان سر می زند. قرآن کریم در آیات زیادی به زشتی های گفتار اشاره می کند و روایات بسیاری نیز از معصومان (ع) رسیده است. امیرمؤمنان (ع) می فرماید: بلا و مصیبت انسان در زبان اوست.^۳ و نیز بیان می دارد: بسا آدمی، که زبانی او را هلاک کرده باشد.^۴ و یا می فرماید: مرد باید زبانش را حفظ کند، زیر همانا این زبان سرکش، صاحب خود را به هلاکت می اندازد. به خدا سوگند، پرهیزگاری را ندیده ام که تقوا برای او سودمند باشد مگر آن که زبان خویش را حفظ کرده بود.^۵

بند سوم: معیارهای ارزشی گفتار

آیا هر سخنی دارای ارزش و اعتبار است؟ و بر هر سخنی می توان نام گفتار ارزشمند و پسندیده نهاد؟ مسلم جواب منفی است. چه بسیار سخنانی که نه تنها ارزش ندارند که در بی ارزشی آنها همان بس که بلا، فتنه^۶، خون ریزی^۷ و... را بدنبال دارند.

قرآن کریم معیارهایی را برای گفتار، بیان داشته که پاره ای از آنان را یادآور می شویم:

- سوره بلد، آیه های ۸ و ۹^۱
- سوره الرحمن، آیه های ۱ - ۲۴^۲
- غرر الحکم، ج ۳، ص ۲۶۱^۳
- همان، ج ۴، ص ۵۴۷^۴
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ی ۱۷۶، ص ۳۳۴^۵
- غرر الحکم، ج ۳، ص ۲۶۱^۶
- غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۴۷^۷
- غرر الحکم، ص ج ۱، ص ۱۳۴^۸

۱. عقلانیت و اندیشیدن: اندیشه و خردورزی، مهم‌ترین تکیه‌گاه اسلام در عقاید، اخلاق، کردار و گفتار است. از نظر این آیین توحیدی، انسان حق ندارد آن‌چه را که عقل نادرست می‌داند، باور کند؛ صفاتی را که خرد ناپسند می‌داند، بدان متصف شود؛ و رفتاری که عقل ناشایست می‌داند انجام دهد؛ و گفتاری را که خرد بی‌ارزش و ناهنجار می‌داند به زبان جاری کند.

روایتی که از امامان معصوم (ع) بدست ما رسیده است نیز سخنی را با ارزش می‌داند که همراه با اندیشیدن باشد: امام علی (ع) می‌فرماید: اندیشه کردن در گفتار، ایمن می‌سازد از لغزش^۱. و نیز می‌فرماید: کسی که در کلام خود تجسس و تفحص و تأمل کند، غلط او کم شود.

از مجموع آیات و روایات، این مطلب به دست می‌آید که کلامی دارای ارزش و اعتبار است که خردمندانه و همراه با خردورزی و اندیشیدن باشد؛ یعنی افزون بر عاقلانه بودن گفتار، گوینده قبل از سخن گفتن در گفتار خویش اندیشه نموده و آنگاه لب به سخن باز کند، زیرا هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.

۲. علم و آگاهی: قرآن مجید یکی از معیارهای ارزشی را در تمامی برنامه‌های بشر و از جمله در گفتار علم و عمل می‌داند. از این رو، انسان را از برپایی نماز در حال مستی باز می‌دارد و علت آن را آگاهانه سخن گفتن انسان ذکر می‌کند و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید...»^۲

یکی از علت‌های حقانیت و برتری سخنان نوح (ع) را، علم و آگاهی آن حضرت به پروردگارش دانسته و می‌گوید: «رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم؛ و خیرخواه شما هستم؛ و از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید»^۳

از مجموع آیات، این مطلب به دست می‌آید که یکی از معیارهای ارزشی گفتار آگاهانه بودن آن است و سخنی که ناآگاهانه به زبان آید بسیار سست، پست، بی‌ارزش و ناپسند است.

۳. عمل: از معیارهای ارزشی دیگر سخن، عمل گوینده به کلام خویش است. خداوند متعال در آیاتی از گفتار بدون عمل نهی کرده و آن را نکوهش نموده و مورد خشم و غضب خود دانسته است: «ای کسانی

۱ - غر الحکم، ج ۵، ص ۱۹۹

۲ - سوره نساء، آیه ۴۳

۳ - سوره اعراف، آیه ۶۲

که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید»^۱.

۴. حق و استوار: پروردگار متعال در قرآن مجید مؤمنان را به گفتار حق و همراه بودن سخن با برهان و استحکام دعوت و فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای الهی پیشه کنید، و سخن حق [و استوار] گویید»^۲.

علامه طباطبایی (ره) پس از معنای کلمه ی «سدید» می فرماید: «قول سدید، عبارت است از کلامی که هم مطابق با واقع باشد و هم لغو نباشد، و یا اگر فایده دارد فایده اش چون سخن چینی و امثال آن، غیر مشروع نباشد، پس بر مؤمن لازم است که به راستی آنچه می گوید مطمئن باشد و نیز گفتار خود را بیازماید که لغو و یا مایه ی افساد نباشد»^۳.

۵. رعایت ادب: از دیدگاه قرآن کریم، گفتاری با ارزش است که همراه با فرهنگ و ادب باشد، سخنی گرچه فی نفسه باارزش باشد (مانند آیات شریفه قرآن) ولی اگر گوینده با عدم رعایت ادب، آن را به زبان آورد، سخنی بی ارزش و بی اثر خواهد بود. از این رو، پروردگار عالم آن گاه که موسی و هارون را مأمور به رفتن به پیش فرعون و دعوت او می نماید، می فرماید: «با او سخنی نرم گوئید، شاید که پند پذیرد یا بترسد»^۴.

بند چهارم: ادب گفتار در فرهنگ وحی

علامه طباطبایی (ره) در تعریف ادب می فرماید: «ادب، بنابر آنچه از معنای آن استفاده می شود، هیأت زیبا و پسندیده ای است که طبع و سلیقه چنین سزاوار می داند که هر عمل مشروعی چه دینی باشد و چه عقلی مانند آداب دعا و آداب دیدار دوستان بر طبق آن هیأت واقع شود. به عبارت دیگر: ادب عبارتست از ظرافت عمل»^۵.

۱ - سوره صف، آیه های ۲ و ۳

۲ - سوره احزاب، آیه ۷۰

۳ - المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، ج ۱۶، ص ۳۴۷

۴ - سوره طه، آیه ۴۴

۵ - المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، ج ۱۶، ص ۲۵۶

سخن گفتن، همچون دیگر کارهای شرعی، ادب خاص خود را می‌طلبد که در این مختصر به آن می‌پردازیم و یادآور می‌شویم آنچه در این بحث مطرح می‌شود عملی کردن آن مختص به گروهی خاص نمی‌باشد بلکه عمومیت دارد و لازم است در رابطه با تمامی انسان‌ها اعم از مرد و زن، مؤمن و کافر، بزرگسال و خردسال دانا و نادان به اجرا درآید.

۱. نیکو سخن گفتن و رعایت عفت کلام: در آیات مختلف قرآن کریم، خداوند متعال با پیامبران، ملائکه، مؤمنان، عموم مردم و حتی با کفار و مشرکان، ادب در کلام را کاملاً رعایت می‌کند. به مؤمنان نیز دستور می‌دهد با دیگران زیبا سخن گفته و از به زبان آوردن گفتار زشت و بی‌ادبانه (حتی در مقابل کافران و ابلهان) دوری گزینند: «با مردم (به زبان) خوش سخن بگوئید»^۱ و نیز می‌فرماید: «و به بندگانم بگو: آنچه را که بهتر است بگویند، که شیطان میانشان را به هم می‌زند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است».^۲

۲. آهستگی در کلام: آهسته سخن گفتن از بهترین و زیباترین آداب گفتار و نشانه ادب است. قرآن مجید مسلمانان را به رعایت این خصلت بزرگ و با ارزش دعوت کرده و صدای افرادی که با فریاد سخن می‌گویند را به صدای درازگوش تشبیه نموده است: «[لقمان به فرزند خود گفت: ای پسرک من] در راه رفتن خود میانه رو باش، و صدایت را آهسته ساز، که بدترین آوازه‌ها بانگ خران است»^۳

۳. پرهیز از بیهوده‌گویی: ادب اقتضای آن را دارد که گوینده در گفتار خود از سخنان لغو و بیهوده دوری نموده و کلمات شیوا و مفید را به زبان آورد. بیهوده‌گویی یکی از اخلاق ناپسند است که ایزد متان دوری از آن را یکی از ویژگی‌های مؤمنان بر شمرده است: «[مؤمنان رستگار شدند] و آنان که از بیهوده روی گردانند».^۴

علامه طباطبایی(ره) درباره‌ی کلمه «لغو» می‌گوید: ««لغو» کاری است که دارای فایده نباشد؛ و از دیدگاه دین «لغو = بیهوده»، اعمال مباح و حلالی است که صاحبش در آخرت از آن سودی نبرد؛ و یا در دنیا از آن سودی که منتهی به سود آخرت گردد عاید او نشود، مانند خوردن و آشامیدن به داعی شهوت در غذا که لغو است؛ چون غرض از اکل و شرب گرفتن نیرو برای اطاعت و عبادت خداست».

۱ - سوره بقره، آیه ۸۳

۲ - سوره اسراء، آیه ۵۳

۳ - سوره لقمان، آیه ۱۹

۴ - سوره مؤمنون، آیه ۴۳

بند پنجم؛ شیوه های سخن

در قرآن کریم برای هر گفت و شنودی نوع و شیوه ای خاص از گفتار توصیه شده مانند: قول حسن، قول معروف، قول کریم؛ و استفاده از بعضی شیوه ها مورد نهی قرار گرفته است، مانند: مکالمه با صدای بلند، یا با ناز و کرشمه.

۱. گفتار مؤمنان با یکدیگر:

الف. استواری کلام: با پایه و اساس سخن گفتن را خداوند متعال به مؤمنان دستور می دهد و به آنان تأکید می کند، این گونه با یک دیگر سخن بگوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوید»

ب. سوژه به دشمن ندادن: بر مؤمنان لازم است علاوه بر استوار سخن گفتن؛ به گونه ای تکلم کنند که کفار، مشرکان و منافقان آنان را به استهزا نگیرند، و به عبارت دیگر: مؤمنان باید با یکدیگر به گونه ای سخن بگویند که سوژه به دشمن ندهند. آیه ۱۰۴ بقره بیان کننده همین مطلب است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، نگویید: «راعنا» و بگویید: «انظرنا» و [این توصیه را] بشنوید، و کافران را عذابی دردناک است».

۲. سخن گفتن با پدر و مادر:

قرآن کریم برای پدر و مادر مقام و جایگاه بلندی را قائل است و در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره مبارکه اسراء دستورهای بسیار مهمی را به فرزندان می دهد که پاره ای از آنها را یاد آور می شویم:

الف. از به کار بردن کلماتی که خلاف ادب و احترام است مانند گفتن کلمه «اف» که ناراحتی فرزند را می رساند خودداری نمایند: «فلاتقل لهما اف؛ به آنها [حتی] «اف» مگو»

ب. از گفتن کلماتی که باعث رنجش آنان می شود پرهیزند مانند: داد زدن و یا درشت سخن گفتن با آنان «ولا تنهزهما؛ به آنان پرخاش مکن»

ج. بر فرزندان لازم است با پدر و مادر، شایسته و با بزرگواری و کریمانه سخن بگویند و از بکار بردن کلمات زشت و ناشایست پرهیزند: «وقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ و با آنان سخنی شایسته بگوی»

د. بر فرزندان واجب است با پدر و مادر متواضعانه سخن بگویند و از به کار بردن کلمات و سخنان متکبرانه دوری نمایند. «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذِّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ؛ و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر»

ه. بر فرزند است که از خدای تعالی برای والدین خود طلب خیر و برای آنان دعا کند و رحمت و آموزش پروردگار را خواستار شود: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبَّیْنِی صَغِيرًا؛ و بگو پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنانکه مراد در خردی پروردند».

۳. سخن گفتن با فرزندان:

بر والدین لازم است در گفت و شنود با فرزندان خود نکاتی را رعایت کنند؛ که در اینجا به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

الف - ادب و مهربانی و دلسوزی: در آیات مختلف قرآن، پیامبران الهی مانند: نوح، ابراهیم، یعقوب و لقمان(ع) فرزندان را با کلمه ی «یابنی» مورد خطاب قرار داده اند؛^۱ و این کلمه، علاوه بر این که رعایت ادب را نسبت به فرزند همراه دارد دلسوزی و شفقت را نیز می رساند.^۲

ب - اندرز و نصیحت: داستان های مختلفی را که قرآن مجید از پیامبر الهی(ع) نقل کرده است، بیان کننده ی این مطلب است که بزرگواران، فرزندان را با استفاده از بهترین روش، یعنی مؤدبانه و با مهربانی و دلسوزی، موعظه و نصیحت و پند و اندرز داده و خطرات دنیایی و آخرتی کردار و پندار را به آنان گوشزد می کردند: «و یاد کن هنگامی را که لقمان به پسر خویش - در حالی که وی را اندرز می داد - گفت: ای فرزندم، به خدا شرک میاور که به راستی شرک ستمی بزرگ است».^۳

۴. گفتار مسؤولان:

در جامعه ی اسلامی انسان ها دارای حقوق خاص خود می باشند و سخن مؤمنان باید به گونه ای باشد که حق انسان ها را به ایشان برساند، نه این که حق آنان را از بین ببرد، به خصوص افرادی که کلام

۱. - سوره هود، آیه ۴۲؛ سوره صافات، آیه ۱۰۲؛ سوره یوسف، آیه ۵؛ سوره لقمان، آیات ۱۳ و ۱۶ و ۱۷

۲. - صافی، فیض کاشانی، ج ۴، ص ۹۶؛ المیزان، محمدحسین طباطبائی، ج ۱۱، ص ۸۲

۳. - سوره لقمان، آیه ۱۳

آنان زمینه ی نفع و زیان را برای دیگران به بار می آورد مانند سخن مسؤولانی چون قاضی، شاهد، داور و کارشناسان، مفتیان و... .

قرآن مجید به این گونه افراد دستور می دهد عادلانه سخن بگویند: «و چون [به داوری یا شهادت] سخن گویند دادگری کنید [و عادلانه سخن بگویند]، هر چند [درباره] خویشاوند [شما] باشد»^۱

علامه طباطبایی (ره) در این باره می گوید: باید مراقب گفتارهای خود باشید، و زبان خود را از حرف هایی که برای دیگران نفع یا ضرر دارد حفظ کنید، و عاطفه ی قربت و هر عاطفه دیگری شما را به جانبداری بیجا از احدی وادار نکند.^۲

۵. شیوه ی سخن گفتن زنان با نامحرمان

خداوند متعال، خطاب به زنان پیامبر (ص) چنین می فرماید: «ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستند، اگر تقوا پیشه کنید، پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد، و گفتاری شایسته گویید»^۳

از آیه ی شریفه استفاده می شود که بر زنان لازم است در سخن گفتن با نامحرمان افزون بر رعایت آداب گفتار، دو نکته دیگر را نیز عملی سازند: الف. از خضوع در گفتار به گونه ای که سخن ایشان اشاره به فروتنی، تسلیم و فرمانبرداری بدون قصد را داشته باشد مانند: نازک، ظریف، با ناز و کرشمه و با نرمی سخن گفتن با نامحرمان بپرهیزید، تا مبدا دل آنان را دچار ریه و پندارهای شیطانی نموده و شهوتشان را برانگیزانید و در نتیجه مردانی که بیمار دل هستند به خاطر نداشتن و یا کمی ایمان به ایشان طمع ورزند. ب. بر ایشان لازم است با «قول معروف» و کلام شناخته شده با نامحرمان تکلم نمایند، به گونه ای که سخن ایشان موجب آرامش و اطمینان شنونده شود، نه باعث اضطراب و تشویق خاطر او، سخنی زیبا و به دور از اشاره به فساد و ریه، سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را شایسته و پسندیده می داند و آن کلام، موافق با دین و اسلام است.

بند ششم: آداب سخن گفتن از نگاه حضرت علی (ع)

۱ - سوره انعام، آیه ۱۵۲

۲ - المیزان، ج ۷، ص ۳۳۹

۳ - سوره احزاب، آیه ۳۲

امام علی(ع) فرمود: «انسان باید به زبانش افسار بزند، زیرا زبان عضو سرکش و چموشی است، خداوند تقوای هیچ بندهای را مفید نمی داند، مگر این که زبانش را کنترل کرده و افسار بزند.»^۱

از اهمیت کنترل زبان همین بس که مطابق روایات بسیار، از پیامبر(ص) و امامان(ع)، هنگامی که هر روز صبح فرا می رسد زبان به تمام اعضاء بدن نظر می افکند، و می گوید: صبح شما چگونه است؟ آنها در پاسخ می گویند: «اگر تو ما را به حال خود بگذاری حال ما خوب است.» سپس زبان را سوگند داده چنین می گویند: «خدا را خدا را! رعایت حال ما را بکن. چرا که ما به وسیله تو دارای پاداش و عذاب می شویم.» از جمله امیرمؤمنان علی(ع) فرمود: «زَلَّةُ اللِّسَانِ اشَدُّ مِنْ جِرْحِ السِّنَانِ»^۲ کیفر لغزش زبان سخت تر از زخم و جراحت نیزه است. «نیز فرمود: «پای انسان بر اثر ضربه ای که خورده خوب می شود، ولی ضربه زبان سرها را بر باد می دهد.»^۳ نیز فرمود: «رَبِّ كَلِمَةٍ سَلْبَتْ نِعْمَةٌ؛ چه بسا یک کلمه (از زبان بی کنترل) موجب محرومیت از نعمتی خواهد شد.» یکی از گناهان بزرگ زبان غیبت کردن است. از عذاب غیبت کننده همین بس که پیامبر(ص) فرمود: «کسی که مؤمنی را غیبت کند خداوند نماز و روزه او را تا چهل شبانه روز قبول نمی کند، مگر این که غیبت شونده او را ببخشد.» نیز فرمود: در شب معراج گروهی را دید که با ناخن های خود صورت هایشان را می خراشند و مجروح می کنند. به جبرئیل گفتم این ها کیستند؟ گفت: این ها کسانی هستند که بر اثر عدم کنترل زبان، به غیبت و ریختن آبروی مردم پرداختند.» ولی کنترل زبان از غیبت به قدری ارزش دارد که پیامبر(ص) فرمود: «تُرِكَ الْغَيْبَةُ احَبُّ اِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَشْرَةِ اَلْفِ رَكْعَةٍ تَطَوُّعًا؛ ترک غیبت در پیشگاه خداوند متعال از انجام ده هزار رکعت نماز مستحبی محبوب تر و بهتر است.» آری آنچه که موجب ترک غیبت می شود، کنترل زبان است، و به راستی کنترل زبان چه نعمت بزرگی است که موجب آن همه الطاف و پاداش های ویژه الهی می گردد. بر همین اساس وقتی که از امیرمؤمنان علی(ع) سؤال شد: «زیباترین آفریده های خداوند چیست؟ فرمود: سخن گفتن، و سپس سؤال شد زشت ترین مخلوقات خدا چیست؟ فرمود: سخن گفتن. سپس فرمود: با زبان و سخن گفتن، چهره ها سفید و نورانی می شود، و با همین سخن گفتن چهره ها سیاه می گردد.»^۴ این مطلب ما را به یاد لقمان حکیم می اندازد، که مولایش روزی به او گفت: امروز برترین غذا را برایم فراهم کن، لقمان زبان گوسفندی را تهیه نموده و پخت و نزد مولایش گذاشت. مولا در روز دیگر به او گفت: امروز بدترین غذا را برایم فراهم کن. لقمان باز زبانی تهیه نموده و پخت و نزد او نهاد. او

۱ - المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۱۹۴

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶

۳ - نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹

۴ - نهج البلاغه، نامه ۳۱

پرسید: یک غذا چگونه هم بهترین و هم بدترین خواهد شد؟ لقمان گفت: زبان اگر به حق حرکت کند برترین عضو است و گرنه بدترین عضو خواهد بود. حضرت علی(ع) فرمود: «من خاف الناس لسانه فهو من اهل النار؛ شخصی که مردم از گزند زبان او بترسند، آن شخص اهل جهنم است.»^۱

زبان از بزرگترین نعمت های الهی است، واز شگفت انگیزترین اعضای بدن می باشد که نقش به سزایی در سلامتی و امکانات کاربردی انسان را دارد، و در میان فواید زبان، از همه مهم تر سخن گفتن آن است که با حرکات سریع و پیاپی و منظم و جست و خیز زبان در جهات ششگانه انجام می گیرد، و استعداد انسان به تکلم به وسیله زبان از عنایت های خاص الهی است، و این مطلب با مقایسه با آدم لال به خوبی روشن می شود. بنابراین طبق قانون لزوم شکر نعمت ها، باید شکر نعمت زبان را به جا آورد، و شکر کامل آن به این است که آن را کنترل نموده و به درست گویی و تعلیم و آموزش ارزش ها عادت داد. قابل توجه این که نقش زبان به قدری در اصلاح ایمان و استواری قلب بسیار است

نتیجه گیری

آنچه از جامعه آرمانی از دیدگاه قرآن و کلام امیرالمومنین در نهج البلاغه بیان شده است. در ابعاد مختلف اینگونه نتیجه گیری می شود که هر مجموعه ای از فضایل اخلاقی در تمامی ابعاد فردی، جمعی و شغلی،... می تواند از خود اثراتی را به جای گذارد که این اثرات به نوبه خود جامعه آرمانی را ایجاد می نماید. و برعکس مجموعه ای از رذایل اخلاقی در ابعاد مختلف فردی، جمعی و شغلی است که می تواند جامعه را به فساد و تباهی بکشاند. البته لازم به ذکر است که آنچنان مولفه های فردی و جمعی و شغلی در ایجاد جامعه آرمانی، تاثیر گذار می باشند که نمی توان یکی از این مولفه ها را نادیده گرفت. در این تحقیق احادیث و روایات و آیات متعددی پیرامون یکی از مهمترین مولفه های فردی یعنی نحوه گفتار مطرح شدو اثرات آن در ایجاد جامعه آرمانی بیان شده است که تکرار آن در این بخش به دور از حوصله می باشد ولی با مطالعه این تحقیق می توان به دو موضوع مهم پی برد.

اول اینکه قرآن کریم و نهج البلاغه چه میزان به خوب سخن گفتن و گفتار نیکو در جامعه تاکید کرده و این مولفه مهم را در به عنوان یک فضیلت مهم اخلاقی در داشتن یک جامعه مطلوب و آرمانی بر شمرده است.

۱- همان، حکمت ۸۰

و دوم این که تمامی راه کارها و دستور العمل ها برای خوب سخن گفتن و گفتار نیکو به عنوان یکی از ویژگی های یک انسان کامل جامع شرایط در جامعه آرمانی به طور خاص و با ذکر جزئیات، بیان شده است .

واکاوی گفتار مناسب به عنوان یکی از شاخصه ها و ویژگی های جامعه آرمانی از منظر قرآن و روایات ضمن بسترسازی برای ایجاد یک جامعه آرمانی خدایسندانه زمینه ی اعتلای تمدن اسلامی و سعادت‌مندی و عزت‌مندی آن را فراهم می‌نماید. در چنین شهری، که خوب سخن گفتن و سخن خوب گفتن به عنوان یک مهیار مهم محسوب گردیده و به فرهنگ عمومی آن جامعه تبدیل شود حقوق متقابل دولت و مردم و مردم و دولت و همچنین حقوق شهروندان نسبت به همدیگر و در یک جمله حقوق فردی و اجتماعی آحاد جامعه تبیین و تحقق می‌یابد و زمینه ی ایجاد یک مدینه فاضله فراهم می‌گردد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. آمدی، عبدالواحد، (۱۳۸۸) غررالحکم، ترجمه، محمدعلی انصاری، قم، نشر مؤسسه امام عصر (عج).
 ۲. باقری، شهلا؛ «جامعه مطلوب از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام»؛ مجلات: تاریخ شیعه شناسی، زمستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۲
 ۳. دهخدا، علی اکبر؛ (۱۳۴۱) لغت نامه، تهران: انتشارات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
 ۴. ساربانقلی، حسین ستاری؛ «صفات و ویژگیهای جامعه آرمانی در اندیشه اسلامی»، ماهنامه موعود، شماره ۴۱.۱۳۹۲.
 ۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۵) خلاصه تفسیرالمیزان، ترجمه فاطمه مشایخ، تهران، نشر اسلام.
 ۶. قادرزاده، مژگان - ساروی، پریچهر؛ «جامعه مطلوب از دیدگاه امام علی (ع)»، مجلات: علوم انسانی «معرفت»، شماره ۹۵، آبان ۱۳۸۴.
 ۷. قرآن کریم. (۱۳۸۸). ترجمه آیه الله ناصر مکارم شیرازی. تهران: مرکز طبع و نشر قرآن.
 ۸. معین، محمد (۱۳۶۰ش) فرهنگ معین، تهران، انتشارات: امیر کبیر، چاپ چهارم.
- نهج البلاغه، (۱۳۸۱) ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات حضور

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

پنجمین همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام (۱۴۰۱) موسسه قانون یار، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی-دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش و ...

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه



موسسه
آموزش و پرورش

**مصدور گواهی نامه معتبر
پذیرش و ارائه مقاله
(با مهر بر جسته و هویت نام مشخص)**



دانشگاه فرهنگیان



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش



پنجمین همایش علمی-پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir **محورهای پذیرش مقالات** www.Ghanonyar.ir

- تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی
- علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش
- روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی
- علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
(در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)